



## تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی در پرتو سیاست جنایی تقنینی کرامت مدار (مبانی - چالش‌ها)

رضا بهرامی<sup>۱</sup>، اکبر وروایی<sup>۲</sup>، نادر نوروزی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

### چکیده

عنوان جرائم امنیتی به جرائمی اطلاق می‌گردد که بقاء و موجودیت کل جامعه و حاکمیت را مورد تهدید قرار می‌دهند. بی‌تردید جرائم امنیتی را می‌توان از حساس‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌های چالش و تقابل میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی دانست و فرآیند تحقیق جرائم امنیتی از بارزترین این عرصه‌ها محسوب می‌گردد. سیاست جنایی تقنینی کشور ناظر بر فرآیند تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی با لحاظ مؤلفه‌های کرامت‌مدار در مقررده‌های فرائقینیی و تقنینی همچنین الزامات حقوق بشری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تحلیل و مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد گزینش رویکرد کرامت‌مدار ناظر بر فرآیند تحقیق جرائم امنیتی موجب برقراری تعادل و توازن بین حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی متهمان جرائم امنیتی خواهد شد و حقوق و آزادی‌های آنان را تضمین و موجب اعتدالی حقوق حاکمیت می‌گردد. با توجه به رویکرد امنیت‌محور حاکم بر فرآیند تحقیق جرائم امنیتی نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد قانونگذار با عدول از اصول حاکم بر حقوق کیفری شکلی مبتنی بر کرامت انسانی برخی از حقوق و آزادی‌های متهمان جرائم امنیتی را با چالش‌هایی مواجه نموده است. بایسته است قانونگذار به منظور رفع ابهام از قوانین ناظر بر تحقیق جرائم امنیتی نسبت به اصلاح و تطبیق قوانین با مؤلفه‌های کرامت‌مدار در این عرصه اقدام نماید.

**واژگان کلیدی:** تحقیقات مقدماتی؛ جرائم امنیتی؛ رویکرد امنیت‌مدار؛ رویکرد کرامت‌مدار؛ سیاست جنایی تقنینی

۱. دانشجوی دکترا، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Dr.Akbarvarvaei@Yahoo.com

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## ۱- مقدمه

قواعد و اصول دادرسی کیفری بخش بسیار بااهمیت در راهبرد سیاست جنایی تقنینی کشورها محسوب می‌گردد. این قواعد ممکن است در راستای تأمین و حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه به کار گرفته شود که ماحصل آن مبارزه با رفتارهای مجرمانه و کاهش و کنترل جرم خواهد بود و یا اینکه در جهت تأمین سرکوبگری، تضییع و تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد. اصولاً در دنیا در فرآیند دادرسی کیفری دو نظام قابل شناسایی است که عبارتند از: نظام کنترل جرم و نظام دادرسی عادلانه و منصفانه. نظام کنترل جرم طرفدار سرکوب و شدت عمل است اما نظام رسیدگی منصفانه حامی شهروندان است و معتقد است حقوق متهم دارای ارزش ذاتی است. مهمترین ارزش در نظام (مدل) کنترل جرم جلوگیری از وقوع جرم است و در تعارض میان حقوق متهم و جامعه حقوق متهم را قربانی مصالح جامعه و حفظ امنیت می‌کند. به عبارت دیگر نظام دادرسی مبتنی بر کنترل جرم رویکردی امنیت‌گرا دارد و در این رویکرد برتری امنیت بر آزادی و حقوق شهروندان یک اصل است در مقابل در نظام دادرسی عادلانه و منصفانه (کرامت‌مدار) اگرچه تأمین امنیت و نظم عمومی اهمیت دارد اما اصل برائت بر اصل مجرمیت اولویت دارد و این الگو قائل به برقراری تأمین امنیت از هر راهی نیست زیرا محور اساسی این نظام (مدل) قانونمداری مبتنی بر حفظ حقوق شهروندان و احترام به آزادی‌های فردی آنان است. این الگو با توجه به رعایت حقوق متهم می‌کوشد تا حد امکان این تصور را پدید آورد که گاه حقوق متهم بر حقوق جامعه ترجیح دارد. این الگو با راهبرد دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی متهمان در پی برقراری عدالت در فرآیند کیفری است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۱۰) از طرفی دیگر اجرایی شدن الگوی اخیر، جهانی شدن مقوله‌ی حقوق بشر و لزوم تضمین کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری شکلی همچنین لزوم تأمین حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان موجب گردیده اقتدار دولت‌ها در استفاده ابزاری از حقوق کیفری شکلی محدود گردد. در همین راستا نظام بین‌الملل حقوق بشر در راستای احترام به کرامت انسانی تدابیری مانند: قانونمند کردن دادرسی کیفری، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، حاکمیت اصل برائت، منع شکنجه، برابری افراد در مقابل قانون، منصفانه بودن دادرسی، علنی بودن محاکمه و منع محاکمه و مجازات مجدد در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) در نظر گرفته است. همچنین مقرره‌های فراتقنینی و تقنینی ایران در راستای کرامت انسانی در حقوق کیفری شکلی تدابیر و تضمین‌هایی مانند: منع دستگیری و توقیف غیرقانونی اشخاص (اصل ۳۲ قانون اساسی و بند ۵ ماده واحده قانون احترام به حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳)، احترام به کرامت و حیثیت انسانی افراد دستگیر شده و زندانی (اصل ۵۷ قانون اساسی، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، حق داشتن وکیل (اصل ۳۵ قانون اساسی، مواد ۵ و ۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، اصل قانونی بودن دادرسی (اصل ۳۶ قانون اساسی)، منع شکنجه به منظور گرفتن اقرار (اصل ۳۸ قانون اساسی و ۱۳۹۲)، اصل قانونی بودن دادرسی (اصل ۳۶ قانون اساسی)، منع شکنجه به منظور گرفتن اقرار (اصل ۳۸ قانون اساسی و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳)، رعایت حق دفاع متهم (اصل ۶۶ قانون اساسی، بند ۳ ماده واحده قانون احترام به حقوق شهروندی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) اندیشیده است. با این وجود رویکرد امنیت محور سیاست جنایی تقنینی شکلی ایران در قبال جرائم امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی، مصالح عمومی جامعه را بر مصالح فردی شهروندان مرجح دانسته و با گزینش شیوه‌ی دادرسی افتراقی در مواردی حقوق و آزادی‌های متهمان جرائم مذکور را نادیده گرفته است. اما تحدید آزادی‌ها و حقوق متهمان جرائم امنیتی نمی‌تواند بی حد و حصر باشد بر این اساس فارغ از رویکرد امنیت‌گرا در قبال جرائم امنیتی به نظر می‌رسد رویکرد دیگری مبتنی

بر الزامات حقوق بشری و مؤلفه‌های کرامت مدار مندرج در مقرره‌های فراتقنینی و تقنینی کشور برگرفته از آموزه‌های اسلامی می‌تواند به‌عنوان سنجه و معیاری که در آن مقوله‌ی امنیت اصالت و موضوعیت نداشته و در راستای کرامت انسانی شأن ابزاری داشته باشد تحت عنوان سیاست جنایی (کرامت مدار) مطرح گردد. در چنین سیستمی حفظ کرامت انسانی شهروندان از خصیصه‌های بارز سیاست جنایی است در همین راستا نیز پژوهش‌هایی در سطح داخلی و خارجی صورت گرفته است. فروغی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «کرامت مداری راهبرد تعادل بخش میان امنیت و آزادی در گفتمان سیاست جنایی» به تأثیر پذیری سیاست جنایی از دو ارزش مهم امنیت و آزادی در گفتمان و مدل‌های سیاست جنایی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر پذیری سیاست جنایی از هر یک از ارزش‌های مذکور منجر به بروز رویکرد متفاوتی خواهد شد توجه افراطی به مقوله امنیت منجر به اتخاذ سیاست جنایی امنیت مدار و قطب افراطی متاثر از مقوله آزادی منجر به پذیرش سیاست جنایی آنارشیستی می‌گردد. در نهایت نگارندگان با ارائه قرائتی مبتنی بر مبانی ایدئولوژی و اصول حقوق بشر با تأکید بر عنصر سومی به نام «کرامت انسانی» نوع دیگری از سیاست جنایی را با نام سیاست جنایی کرامت مدار را برگزیده که امنیت و آزادی در آن موضوعیت و اصالت نداشته بلکه این دو ارزش در راستای تأمین کرامت انسانی بایستی به کار گرفته شوند. یزدیان جعفری (۱۳۹۵) در مقاله «تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت» به این نتیجه رسیده است که نقض حقوق ماهوی و شکلی در برخورد با جرائم امنیتی وجود دارد. مهدوی‌پور و شهرانی کرانی (۱۳۹۳) در مقاله «امنیتی شدن جرم‌شناسی، راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری» به این نتیجه رسیده‌اند که با پیدایش اشکال نوین بزهکاری منجمله جرائم تروریستی و سازمان یافته پس از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م در آمریکا و وقوع پاره‌ای از اقدامات تروریستی در اروپا و سایر نقاط جهان رویکرد امنیت محور کشورها نه تنها تدابیر تقنینی را تحت تأثیر قرار داده بلکه در مواردی در قالب تدابیر اجرایی و مصوبات مادون قانون نیز تجلی یافته است و این تدابیر کرامت انسانی متهمان و مرتکبان جرائم امنیتی و تروریستی را نادیده گرفته است. قماش (۱۳۹۰) در مقاله «کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی» بر ضرورت پاسداشت کرامت انسانی به‌عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی همچنین بر جهت‌گیری سیاست جنایی در سه قلمرو قانونگذاری، قضایی و اجرایی بر پایه کرامت انسانی تأکید نموده است. مک‌کرودن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸م) در مقاله‌ای تحت عنوان «کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر» به محوری بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر در رواج کرامت انسانی اذعان نموده و معتقد است نوع نگرش به کرامت انسانی در تصمیم‌گیری‌های قضایی در داخل کشورها متفاوت است و کرامت انسانی توسط کنشگران قضایی به صورت محلی تفسیر می‌گردد. وجه اشتراک پژوهش‌های مذکور با تحقیق حاضر در این است که نگارندگان بر ضرورت پاسداشت کرامت انسانی و بر جهت‌گیری سیاست جنایی بر پایه کرامت انسانی تأکید و اذعان دارند. مطالعه حاضر این ویژگی را دارد تا ضمن تطبیق سیاست جنایی تقنینی کشور ناظر بر مرحله تحقیقات مقدماتی جرائم علیه امنیت با مؤلفه‌های کرامت مدار مندرج در مقرره‌های فراتقنینی، تقنینی و الزامات حقوق بین‌الملل بشر به‌عنوان سنجه‌ای مختار بتواند به سؤال اصلی تحقیق نیز پاسخ دهد که؛ چالش‌های رویکرد کرامت مدار سیاست جنایی تقنینی کشور ناظر بر جرائم امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی کدامند؟ بر این اساس پژوهش حاضر در راستای پاسخ به سؤال مذکور درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی اطلاعات به دست آمده از منابع معتبر و مطالعه قوانین را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد لذا برای این منظور ابتدا تحلیلی از مبانی پایه در خصوص سیاست جنایی کرامت مدار ارائه سپس به ضرورت رویکرد کرامت مدار

<sup>۱</sup> Christopher McCrudden

ناظر بر تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی خواهیم پرداخت و در ادامه چالش‌های موجود حقوق دفاعی و آزادی‌های متهمان جرائم امنیتی در فرایند تحقیق احصاء در پایان نیز راهکارهای برون رفت از چالش‌ها ارائه می‌گردد.

## ۲- مبانی نظری سیاست جنایی تقنینی کرامت مدار

اصطلاح سیاست جنایی نخستین بار توسط آن سلم فوئر باخ<sup>۱</sup> آلمانی در سال ۱۸۸۳ میلادی بکار برده شد. به اعتقاد فوئر باخ، سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های سرکوب گرایانه است که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرژ<sup>۲</sup> ۲۰۰۲/۱۳۹۹: ۱۱). مارک آنسل<sup>۳</sup> سیاست جنایی را به معنای یک مفهوم قانونی که سرکوب و مجازات بزهکار را در برداشت به انحراف و کجروی به عنوان یک مفهوم اجتماعی تسری داد. در تداوم روند تحول در معنا و مفهوم سیاست جنایی می‌ری دلماس مارتی<sup>۴</sup> تعریفی جامع از سیاست جنایی را ارائه نموده است «مجموعه روش‌هایی که هیأت اجتماع با توسل و به کار بستن آن‌ها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد». (مارتی، ۲۰۰۲/۱۳۹۸: ۶۹).

مطابق این تعریف از سیاست جنایی برخورد با اقدامات مجرمانه ماهیت کیفری محض ندارد بلکه سایر بخش‌های نظام حقوقی علیه پدیده مجرمانه پاسخگو خواهند بود. بر همین اساس کشورها سیاست جنایی خود را به اعتبار نهادهای مسئول، طبیعت و عاملان به سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی قابل تقسیم است. سیاست جنایی تقنینی «مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را در برمی‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد» (عظیم زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). بنابراین سیاست جنایی تقنینی در تفکر و منطق قانونگذار در پیشگیری غیرکیفری و مقابله با جرم متجلی می‌گردد.

امنیت و آزادی دو ارزش تأثیرگذار در هر نظام سیاست جنایی محسوب می‌شوند که در مدل‌های غالب و متعارف سیاست جنایی با توجه به این دو مقوله می‌توان رویکردهای متفاوتی را تبیین و به مرحله اجرا درآورد که حاصل آن به صورت دو قطب افراطی متأثر از امنیت و آزادی هستند که عبارتند از: سیاست جنایی امنیت‌مدار و سیاست جنایی آنارشستی سایر مدل‌های دیگر در بین این دو قطب در نوسان می‌باشند.

سیاست جنایی امنیت‌مدار به میزان زیادی متأثر از رویکرد امنیت‌گرایانه است. در چنین رویکردی تعادل میان منافع جامعه و فرد برقرار نبوده و آنچه که اصالت دارد مصالح عمومی و امنیت جامعه و حکومت است. بنابراین مفاهیمی مانند آزادی، عدالت و کرامت تحت مقوله‌های امنیت و نظم عمومی تفسیر و معنا می‌یابند. در چنین وضعیتی قانونگذار با تأسی از رویکرد امنیت‌گرایانه و عدول از برخی از اصول حاکم بر حقوق کیفری ماهوی و شکلی حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را تحدید یا تضييع می‌نماید.

در سیاست جنایی آزادی بنیان (آنارشسیسم) و نوع متعادل آن یعنی لیبرال با توجه به اصالت دادن به آزادی‌های فردی ارزش‌های دیگر مانند امنیت و کرامت را تحت مفهوم آزادی‌های فردی تفسیر و در درجه دوم اهمیت قرار خواهند

<sup>1</sup> Anselm von Feuerbach

<sup>2</sup> Lazerges

<sup>3</sup> Mark Ansel

<sup>4</sup> Mireille Delmas - Marty

گرفت. سیاست جنایی مبتنی بر آزادی در مفهوم افراطی آن با سیستم حکومتی مخالف است و آزادی را در عدم تقید به نظام سیاسی می‌داند. لیکن در مدل‌های لیبرال تنها قید آزادی عدم اضرار به دیگران است. در این رویکرد مقنن باید در راستای تضمین آزادی‌های شهروندان گام بردارد. در این نظام سیاسی مشروعیت حکومت و دولت ناشی از رأی ملت است. چنانچه دولت به قرارداد اجتماعی تجاوز نموده و از حدود اختیارات خود خارج شود مشروعیت خود را از دست خواهد داد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۶۶)

در اینکه اصول حاکم بر حقوق کیفری قابل نقض هستند یا نه اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی به مطلق بودن این اصول نظر دارند و برخی هم این اصول را نسبی و قابل نقض دانسته‌اند. عده‌ای بر این باورند که نقض برخی از حقوق حتی در شرایط اضطراری و بحرانی هم مطلقاً درست نیست و هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به دلایل مبتنی بر منافع امنیتی، حیاتی ملی و خصوصی از شمول تعهدات برگرفته از اصول ذاتی لایتغیر تخطی کند. (ممتاز و شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۰: ۲۰) حق‌ها برای حمایت از آزادی‌ها و ادعاهای فردی شهروندان در مقابل ادعاهای جمعی مطرح می‌شوند. در جوامع لیبرال برخی حقوق سبقتی بنیادین داشته و قانون نه تنها در آن دخالت نمی‌کند بلکه ملزم به حمایت از آن است. لذا الزامات حقوق کیفری در جوامع مردم سالار نسبت به کسانی که امنیت حکومت را مورد خدشه قرار داده‌اند نه تنها کمتر نیست، بلکه مورد تأکید بیشتری است. زیرا یکی از شاخصه‌های سنجش، میزان اعتقاد حکومت به عدالت را باید در شیوه برخورد با مخالفان سنجید (آقا بابایی، ۱۳۸۹: ۱۸۰) و در مقابل برخی معتقدند هیچ قاعده‌ی مطلقه‌ی وجود ندارد که استثناء پذیر نباشد. بنابراین اصول حاکم بر حقوق کیفری در برخورد با سایر اصول از جمله حفظ امنیت ملی قابل تحدید هستند و بیشتر موارد نقض بنا به مصلحت و برای حفظ امنیت کشور صورت گرفته‌است و اگر در میان دو مصلحت تعارض ایجاد گردد می‌توان به نفع مصلحت عظیم‌تر حکم کرد که ممکن است نظام و امنیت کشور باشد. قواعد حقوق در درجه اول به دنبال نظم و امنیت است و در مرحله بعد نوبت به اجرای عدالت می‌رسد (آقا بابایی، ۱۳۸۹: ۵۴). اما سؤال این است که اگر قائل به نسبی بودن اصول شویم محدوده نقض باید تا چه میزان باشد؟ آنچه از اسناد و رویه‌های بین‌المللی و سایر کشورها برمی‌آید این است که دولت‌ها نمی‌توانند آزادانه دست به محدود کردن حقوق و آزادی‌های بنیادین بزنند. آنان مکلفند در موارد نقض پایبند به شرایطی باشند: اولاً دولت‌ها باید به اصل قانونیت احترام بگذارند. یعنی اینکه هرگونه تحدیدی باید در چارچوب قانون و به حکم قانون صورت گیرد. ثانیاً دولت‌ها تنها مجازند محدودیت‌هایی را اعمال کنند که در یک جامعه دموکراتیک ضروری تلقی می‌شود و منظور از جامعه دموکراتیک جوامعی هستند که دارای خصوصیات زیرین از قبیل حق مشارکت همگانی، حاکمیت قانون، احترام به حقوق و آزادی‌ها، تسامح، تحمل و چندگانگی سیاسی، حکومت اکثریت و احترام به اقلیت، برابری همگان در مقابل قانون و توزیع خردمندانه قدرت و احترام به نخبگان می‌باشند. ثالثاً هدف اعمال این محدودیت باید تأمین حقوق و آزادی‌ها از طریق تنظیم اجرای حقوق و آزادی‌ها توسط افراد و پیشگیری از تجاوز آنان به حقوق و آزادی‌های دیگران و نظم و اخلاق عمومی و منافع همگانی باشد بنابراین نباید از این حق سوء استفاده کنند (قربان‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰). به نظر می‌رسد قانونگذار اصول حاکم بر حقوق کیفری را قابل نقض دانسته‌است. اصول حقوق کیفری لااقل از دید برخی قانونگذاران اصولی غیر قابل نقض و مطلق نیستند، اگرچه به لحاظ مبنایی قبول این وضعیت با مخالفت‌هایی روبه‌روست. آنچه به عنوان مصلحت با هر معنای آن در دفاع از نظریه نقض اصول گفته می‌شود مواجه با چالش و اشکال است. به فرض قبول چنین وضعیتی نیز سؤال در مورد محدوده نقض است، به نظر می‌رسد قانونگذار ما بیش از ضرورت، دامنه

موارد نقض را گسترش داده است و این امر به نفع و مصلحت جامعه نیست، شاید ادله مخالفان در مطلق تلقی کردن این اصول هم، همین عدم امکان کنترل موارد نقض در صورت جواز کلی آن باشد (یزدیان جعفری، ۱۳۹۵: ۷۸).

در قرائتی دیگر که مبتنی بر آموزه‌های دینی، اصول حقوق بشر و پشتوانه‌های عقلی و فلسفی است می‌توان با تأکید بر عنصر سومی به نام کرامت انسانی نوع دیگری از سیاست جنایی را تحت عنوان سیاست جنایی کرامت‌مدار طراحی نمود که امنیت و آزادی در آن اصالت و موضوعیت نخواهند داشت بلکه دارای شأن ابزاری هستند و در واقع آنچه اصالت دارد کرامت انسانی است. کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که عبارتند از: «بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، نواخت و احسان و بزرگواری و بخشندگی و دادودهش و بزرگوارداشتن کسی، سرافرازی، ارجمندی، بزرگی و عزت» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۸۲۳۰). در فرهنگ انگلیسی وبستر واژه کرامت<sup>۱</sup> در معنای عزت، شرافت، بزرگواری، ارزش واقعی و رتبه استعمال گردیده است.<sup>۲</sup> (وبستر، ۲۰۰۳: ۳۵۰) معادل انگلیسی واژه کرامت انسانی<sup>۳</sup> به معنای شرف، افتخار، استحقاق احترام، رتبه و مقام و ارزش و حرمت ذاتی است. کرامت انسانی علی‌رغم ارزش و اهمیت بسیار زیاد آن تاکنون در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی تعریف نشده است. «محققان کم و بیش بر این موضوع اتفاق نظر دارند که کرامت انسانی به معنای به رسمیت شناختن انسان و مشروعیت بخشیدن به ارزش‌های انسانی به عنوان رقم زندگان تاریخ و نهی از شیء نگاری صرف آن‌ها تحت هر مصلحتی می‌باشد.» (کایافا - گبندی، ۲۰۱۵: ۱۰۲) برخی از نویسندگان نیز معتقدند: «کرامت ذاتی انسان به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمامی انسان‌ها به جهت داشتن توانایی تعقل، تفکر، قدرت انتخاب و آزادی اراده و اختیار و وجهه و نفخه الهی، به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند.» (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵)

با در نظر گرفتن معانی لغوی کرامت انسانی مشاهده می‌گردد کرامت بیانگر دو خصوصیت و ویژگی موجود انسانی است. برخی از این ویژگی‌ها جنبه ارزشی دارند و موقعیت، جایگاه اجتماعی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کنند مانند کرامت مؤمن. کرامت مذکور قابل اکتساب و سلب است. «منظور از کرامت انسانی این است که آدمی با تلاش و مجاهدت در زمینه‌های دانش، ادب و عمل صالح برای خود جایگاه والایی را نزد خویش، جامعه و به باور متدینان و نزد خداوند بدست آورد» (قماش، ۱۳۹۳: ۳۷). خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: (ان اکرمکم عند الله اتقیکم) همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پارساترین است. طبق این آیه شریفه کرامتمندترین انسان‌ها کسی است که با مراقبت بر خویش و نظارت بر غریزه‌ها و هوس‌های حیوانی خود زمام آن را به دست بگیرد و در مسیر قرب الهی قدم زند. این قبیل انسان‌ها در حقیقت کرامت ذاتی خود را سرمایه دستیابی به کرامت اکتسابی می‌کنند. به اعتقاد انسان‌های دین باور آفرینش انسان برای دستیابی به این نوع از کرامت است که نهایت آن رسیدن به قرب الهی است. کسب چنین مقامی توسط انسان با ارج نهادن به کرامت ذاتی او امکان‌پذیر خواهد بود. اما برخی از ویژگی‌ها مانند انسانیت ذاتی است و قابل سلب از انسان در هیچ شرایطی نیست و این نوع کرامت وابسته به ذات و هستی انسان است.

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد کرما بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقنا هم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا.» (اسراء، ۷۰) در آموزه‌های دینی و نظام بین‌الملل حقوق بشر نیز بر رعایت کرامت انسانی

<sup>1</sup> Dignity

<sup>2</sup> Webster

<sup>3</sup> Human Dignity

تاکید شده است. «نظام تفکر اسلامی برای بشر حقوقی قائل شده است که عمدتاً می‌توان آن‌ها را ذاتی دانست. نقطه اوج این حقوق را می‌توان کرامت بشر تلقی کرد. نگاه اسلامی به بشر هم به حوزه جسم آن توجه دارد و هم غیر جسم را اما آنچه که مبنای کرامت بشر را در نگاه اسلامی تشکیل می‌دهد، اوصاف غیر جسمانی انسان است. دو وصف غیر جسمی مهم در انسان وجود روح و تفکر در بشر است که سبب فخر و کرامت او بر سایر موجودات شده و او را مستحق حقوقی متمایز از آن‌ها نموده است. وجود این اوصاف نه تنها سبب تفاوت حقوق میان بشر و سایر موجودات شده است بلکه حقوق او را به نقطه اوج برده است. بر این اساس می‌توان در تفکر اسلامی، کرامت مداری را بالقوه امکان‌پذیر دانست.» (مقیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۰). بنابراین آنچه در این تحقیق به عنوان سرچشمه حقوق و آزادی‌های فردی و ملاک بهره‌مندی از حقوق انسان منظور است کرامت ذاتی بوده زیرا این قسم از کرامت در تمام ابنای بشر و به گونه‌ای همسان وجود دارد و انسان «به ما هو انسان» از آن بهره‌مند و منتفع است.

در حوزه حقوق کیفری شکلی کرامت انسانی به عنوان یک هنجار فراملی و حقوق بشری معیارها و مفاهیمی را ارائه می‌دهد که این معیارها و مفاهیم حاکمیت انحصاری کشورها در فرآیند کشف، تحقیق و رسیدگی به جرائم را تعدیل می‌نماید. بر این اساس مؤلفه‌های کرامت مدار بر گرفته از آموزه‌های دینی که الزامات حقوق بشری را نیز در بطن خود دارد می‌تواند به عنوان سنجه‌ای تعدیل‌کننده در فرآیند تحقیق مقدماتی جرائم امنیتی حقوق و آزادی‌های متهمان را تضمین و توازن و تعادل لازم بین «حقوق حاکمیت» و «حقوق شهروندی» را برقرار نماید.

### ۳- ضرورت رویکرد کرامت مدار در تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی

توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان و تلاش در جهت پاسداری از این حقوق و احترام به جایگاه والای انسانی تمام مراحل دادرسی به ویژه مرحله تحقیق که مرحله تسجیل و تمهید ادله است را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. هدف از انجام تحقیقات مقدماتی در بدو امر احراز یا عدم احراز وقوع جرم است. و در ثانی با فرض اثبات وقوع جرم انتساب جرم به شخص یا اشخاص معین است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱ شمسی و اصلاحات بعدی آن و قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب سال ۱۳۱۸ تحقیقات مقدماتی تعریف نشده بود.

پس از انقلاب اسلامی و تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ نهاد دادسرا از سازمان قضایای ایران حذف گردید و قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ با توجه به فقدان دادسرا برای اولین بار در ماده ۱۹ مبادرت به ارائه تعریفی از تحقیقات مقدماتی کرد که ناظر بر کشف جرم و نزد ضابطان (تحقیقات پلیسی) بود و چنین اشعار می‌داشت: «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد.»

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در بخش «وظایف و اختیارات بازرس» و در ماده ۹۰ با توجه به احیاء مجدد نهاد دادسرا به ارائه تعریفی از تحقیقات مقدماتی پرداخته که مختص مرحله تحقیق نزد مقام قضایی (بازپرس) است و چنین مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قانونی است که بازپرس یا دیگر مقامات قضایی برای حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌گیرد». تحقیقات مقدماتی در معنای عام شامل هر اقدامی است که در جهت کشف حقیقت از جانب مقام تحقیق در بدو امر یا حسب دستور مقام مزبور توسط ضابطان صورت می‌گیرد.

اختیارات گسترده مقام تحقیق ممکن است آزادی‌های فردی و حقوق دفاعی و کرامت انسانی متهمان را به مخاطره اندازد. نظر به ضرورت و اهمیت آزادی‌ها و حقوق دفاعی متهم که برگرفته از کرامت ذاتی او است در قوانین اساسی اکثر کشورها به این حقوق توجه شده است بر همین اساس اسناد بین‌المللی الزام‌آور حقوق بشری مانند مواد ۵، ۹ و بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)<sup>۱</sup> و مواد ۷، ۹ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) جهت تضمین کرامت انسانی متهمان الزاماتی را در فرایند تحقیق مقدماتی پیش‌بینی نموده است. در عرصه داخلی نیز اصول ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی من جمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده واحده حفظ حقوق شهروندی الزاماتی در راستای صیانت از کرامت انسانی متهمان و ضمانت‌های اجرایی عدول از الزامات مذکور را پیش‌بینی نموده‌اند.

با این حال متهم در فرآیندی از دادرسی قرار می‌گیرد که در یک طرف آن حکومت با تمام امکانات، ابزار و اختیارات قرار دارد تا از جامعه و حاکمیت در برابر نقض قانون و اخلاق در نظم و امنیت حمایت کند و در طرف دیگر متهمی قرار گرفته که توان دفاع و ابزار و امکانات او در قیاس با دولت ناچیز است و این نابرابری در ارتباط با متهمان جرائم امنیتی بیشتر از سایر جرائم نمایان است زیرا در جرائم علیه امنیت قانونگذار ایران همانند اکثر کشورها نسبت به اخلاق شدید در نظم عمومی حساسیت بیشتری داشته در نتیجه از الگوی کنترل جرم پیروی و رویکردی امنیت محور دارد از طرفی دیگر در واقع بزه‌دیده واقعی در جرائم امنیتی دولت به معنای عام آن است. علاوه بر آن کنشگران فرآیند دادرسی و تحقیق در جرائم امنیتی نمایندگان دولت و بخشی از حاکمیت محسوب می‌گردند بنابراین رویکرد کرامت مدار در فرآیند تحقیق جرائم امنیتی در قیاس با سایر جرائم ضرورت بیشتری دارد.

#### ۴- چالش‌های حقوق دفاعی و آزادی‌های فردی متهمان جرائم امنیتی در فرایند تحقیق

سیاست جنایی تقنینی شکلی کشور با گزینش رویکردی امنیت محور و افتراقی در فرآیند تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی منبث از دغدغه قانونگذار در اولویت و ارجحیت حفظ نظم عمومی و اقتدار ملی برخی از حقوق و آزادی‌های متهمان جرائم مذکور را در مقایسه با متهمان سایر جرائم با چالش مواجه نموده که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۴-۱- توسعه صدور قرار بازداشت موقت

مهم‌ترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی بازداشت موقت است که به موجب آن به منظور تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم آزادی او به طور موقت سلب می‌شود. بازداشت موقت که از آن در حقوق کیفری ایران به توقیف احتیاطی نیز تعبیر شده است عبارتست از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۶۰)

<sup>۱</sup> ماده ۵ مقرر می‌دارد: «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد»  
ماده ۹ مقرر می‌دارد: «احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود».

بند ۱ ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او کاملاً محرز گردد.»



بازداشت موقت همواره به عنوان یکی از قرارهای سنگین کیفری مطرح بوده و قانونگذاران با توجه به اینکه این امر مغایر با آزادی اشخاص و احترام به اصل برائت است استفاده از این قرار را منوط به احراز شرایط متعددی نموده و به لحاظ مدت زمان اجرای این قرار نیز محدودیت های معینی در نظر می گیرند و توجه آیین دادرسی کیفری به سوی الگوی امنیت و غلبه امنیت بر عدالت منجر به استفاده بیش تر از این قرار حداقل در جرائم مرتبط با امنیت و حاکمیت کشور می شود (آشوری و رحمت، ۱۳۹۳: ۸).

با صدور قرار بازداشت موقت، متهمی که هنوز مجرمیت او به اثبات نرسیده در شرایطی قرار می گیرد که در صورت احراز مجرمیت و صدور حکم به مجازات در آن شرایط قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب سلب آزادی که ممکن است نتیجه محکومیت وی باشد در مرحله قبل از ثبوت مجرمیت او، برخلاف فرض برائت به شمار می رود. (مدنی، ۱۳۹۴: ۱۲۴) با وجود اینکه بازداشت موقت مخالف با اصل برائت و آزادی رفت و آمد شهروندان است اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های ناظر بر آن و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و قوانین کیفری داخلی بر استثناء بودن و پذیرش آن در قانون صراحت دارند. واضعان قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ در ابتدا با بازداشت موقت متهم نظر موافقی نداشتند. لیکن در اصلاحات بعدی در سال ۱۳۱۱ مطابق ماده ۳۸ به مستنطق (بازپرس) اجازه دادند رأساً یا به تقاضای مدعی العموم (دادستان) بتوانند در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی قرار توقیف متهم را صادر کند.

در ماده ۱۳۰ مکرر الحاقی به قانون مذکور در سال ۱۳۱۱ موارد جایز بودن توقیف متهم نیز احصاء گردیده بود. با تصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش در سال ۱۳۱۸ مطابق ماده ۹۴ قانون مزبور رسیدگی به جرائم امنیتی افراد غیر نظامی و افراد نظامی در صلاحیت دادسراها و دادگاه های نظامی قرار گرفت. از طرفی نیز مطابق مفاد مواد ۱۶۴ و ۱۶۶ قانون فوق بازپرس نظامی نیز دارای همان اختیارات بازپرس دادرسی عمومی در خصوص صدور قرار بازداشت موقت بود. در قانون اخیر چگونگی حل اختلاف بین دادستان نظامی و بازپرس و در نهایت حق اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت پیش بینی گردیده بود. با این حال برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ که ماده ۱۳۰ مکرر موارد جایز بودن صدور قرار بازداشت موقت را احصاء نموده بود در قانون دادرسی و کیفر ارتش تشخیص جواز و عدم جواز صدور قرار بازداشت موقت به مقام تحقیق محول شده بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب آئین نامه دادگاه ها و دادرسی های انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۷ مواد ۲۵ و ۲۶ مصوبه مذکور به مقام تحقیق اجازه می داد نسبت به صدور قرار بازداشت موقت اقدام نماید و در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان انقلاب حل اختلاف با قاضی شرع دادگاه بود. خصیصه بارز قرارهای بازداشت موقت متهمان جرایم امنیتی در مقرر مذکور غیر قابل اعتراض بودن قرار بازداشت و علی القاعده بازداشت متهمان تا رسیدگی و صدور حکم ادامه می یافت. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ قانون گذار ضوابط و معیارهایی برای صدور قرار بازداشت موقت اختیاری در ماده ۳۲ در نظر گرفت از آن جمله می توان شدت مجازات، اهمیت جرم، بیم فرار و پنهان شدن و تبانی با دیگران اشاره نمود اما با کمی دقت در بند (ج) ماده مذکور می توان دریافت که قانون گذار در قبال جرایم امنیتی شیوه ای افتراقی در پیش گرفته و اصل ممنوعیت صدور قرار بازداشت موقت در جرائم امنیتی را نادیده گرفته بود.

علاوه بر آن بسیاری از مجازات‌های تعیین شده در جرائم فصل اول کتاب پنجم تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی سبک‌تر از آن است که با ماهیت و موارد صدور قرار بازداشت موقت سازگار باشد همچنین مقرر مذكور جرائم امنیتی با ماهیت غیرعمدی را مشمول موارد صدور قرار بازداشت موقت اختیاری کرده بود. مانند جرم موضوع ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ۱۳۷۵ که حداکثر مجازات قانونی آن تا شش ماه حبس است.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت اجباری بکلی از میان رفت. در این قانون بازپرس در هیچ اتهامی ملزم به صدور قرار بازداشت موقت نیست و اصولاً در تمامی اتهامات اصل بر آزاد بودن متهم است. با این وجود قانون‌گذار در آخرین اراده خود به نوعی سعی در حفظ شیوه افتراقی سابق در برخورد با جرایم امنیتی داشته زیرا در قسمت (پ) از ماده ۲۳۷ به جز موارد معدودی از جرایم امنیتی طیف وسیعی از این جرایم را با قید وجود دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام در زمره جرایم با قابلیت صدور قرار تأمین بازداشت موقت دانسته است. البته مقنن در مقرر اخیر خود همانند قانون آیین دادرسی کیفری سابق قرار بازداشت موقت را از جانب متهم قابل اعتراض دانسته است. در ارتباط با اتهامات امنیتی کارکنان نظامی در قانون دادرسی کیفری ارتش مصوب سال ۱۳۱۸ مستفاد از مواد ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون مذکور مقام تحقیق نظامی (بازپرس) در تمام جرائم رأساً و یا حسب درخواست دادستان نظامی می‌توانست قرار بازداشت موقت صادر نماید. البته قرار صادره ظرف مدت ۲۴ ساعت از زمان ابلاغ به متهم قابل اعتراض از جانب وی و مرجع اعتراض به قرار تأمین مزبور نیز دادگاه نظامی صالح به رسیدگی به جرم بود. در ادامه قانون دادرسی جرائم نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ تصویب، که مطابق ماده ۶۱۸ این قانون موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری در خصوص متهمان نظامی جرائم امنیتی صرفاً در زمان جنگ امکان‌پذیر است. لیکن در ارتباط با صدور اختیاری قرار بازداشت موقت توسط بازپرس نظامی مستفاد از ماده ۶۴۸ که اشعار می‌دارد در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است. به نظر می‌رسد در حال حاضر چنانچه فردی نظامی متهم به ارتکاب جرائم علیه امنیت شود مقام تحقیق در دادسرای نظامی مختار است با لحاظ مواد ۲۳۷ تا ۲۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نسبت به صدور قرار بازداشت موقت اقدام نماید.

با توجه به موارد فوق یکی از چالش‌های رویکرد کرامت‌مدار ناظر بر تحقیق جرائم امنیتی بند (پ) ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی اخیر است که توسل قانونگذار به عباراتی مانند دلایل، قرائن و امارات جهت صدور بازداشت موقت برای متهمان جرائم امنیتی معیاری غیر قابل ارزیابی بوده و تشخیص آن بعهده مقام تحقیق گذاشته شده است. لذا می‌توان گفت مقام تحقیق در صدور قرار بازداشت موقت مرتبط با متهمان جرائم امنیتی به‌طور کلی مبسوط‌الید می‌باشد.

#### ۴-۲- نقض مصونیت حریم خصوصی

حق خلوت یکی از حقوق اساسی شهروندان محسوب و ارتباط معناداری با حفظ شان و کرامت، استقلال فردی، امنیت روحی و روانی افراد دارد. «حق رعایت و احترام به زندگی خصوصی به عنوان یکی از آزادی‌های بنیادین نظام جزایی اسلام و نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته محسوب با کرامت انسان‌ها نیز ارتباط نزدیک دارد. بنابراین پشتیبانی و حمایت از کرامت انسان نیازمند حمایت از حریم خصوصی اوست» (عطا زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲). در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص، حمایت نشده است. حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان (حریم خصوصی)

حمایت می‌شوند به طور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران مورد حمایت قرار گرفته‌اند. (واعظی و علی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۸) لازم به ذکر است که اصطلاح حریم خصوصی تاکنون توسط قانونگذار داخلی تعریف نشده است. «در حال حاضر حریم خصوصی یک مفهوم گسترده است که (در کنار موارد دیگر) آزادی افکار، کنترل جسم یک فرد، خانه یک شخص، کنترل بر روی اطلاعات شخصی، آزادی از نظارت، محافظت از آبروی یک شخص و همین‌طور محافظت از مورد بازپرسی و بازجویی واقع شدن را در بر می‌گیرد.» (سالو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۱۲۳۴)

یکی از آثار فرض برائت، مصونیت ارتباطات مخابراتی و نوشتاری متهمان است. ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این امر تأکید دارند که هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده مورد مداخلات خودسرانه یا غیرقانونی قرار گیرد. ماده ۱۰ میثاق نیز به حفاظت از آبرو و حیثیت اشخاص اشاره نموده است. در حقوق داخلی قبل از الزامات بین‌المللی حقوق بشری مصونیت حریم خصوصی افراد مورد توجه و اضعان متمم قانون اساسی مشروطیت قرار گرفته و به موجب اصول بیست و دوم و بیست و سوم مراسلات پستی از ضبط و کشف مصون بودند مگر در مواردی که قانون استثناء می‌کرد و افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع اعلام گردیده بود مگر در مواردی که قانون تعیین کرده باشد.

در راستای اصول مذکور، قانون‌گذار در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ مقرر نموده بود: «از اوراق و نوشتجات متهم فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و به شهود تحقیق ارائه می‌شود و مستنطق مکلف است که در باب سایر نوشتجات متهم با کمال احتیاط رفتار نموده موجب افشای مضمون نوشتجاتی که راجع به جرم نیست، نشود». هم‌چنین قانون‌گذار مذکور در بند ۱ از ماده ۹۹ مقرر می‌داشت: «مستنطق هر دفعه علیحده به اداره پست‌خانه یا تلگراف‌خانه اطلاع می‌دهد که مکتوب یا تلگراف متهم به جنایت را توقیف نموده نزد مستنطق بفرستند و بعد از وصول مکتوب یا تلگراف، آن را در حضور متهم باز کرده صورت مجلسی در آن باب ترتیب داده خودش و منشی و متهم امضاء می‌کنند، اگر متهم نخواهد امضاء کند مراتب قید می‌شود». علاوه بر آن به موجب ماده ۱۰۰ قانون مذکور بازپرس می‌توانست به منظور تحصیل اطلاعات در باب نوشتجاتی که از متهم صادر و به اسم متهم به پست‌خانه یا تلگراف‌خانه وارد می‌شد از ادارات مذکور رأساً کسب اطلاع نماید.

در تعاقب آن ماده ۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ مقرر می‌داشت: «بازپرس‌هایی که مأمور رسیدگی می‌شوند برای کشف حقیقت هر نوع اقدامی را که لازم می‌دانند به عمل آورده و می‌توانند مستقیماً به اداره یا قسمتی که شخص مظنون یا متهم در آنجا خدمت می‌نماید و یا ادارات و قسمت‌های دیگر مراجعه کرده و هر نوع برگ‌ها و دفاتر و اسنادی را که می‌خواهند معاینه و قسمت‌های لازمه را استخراج نموده و هر قسم اطلاعی را که برای روشن شدن قضیه لازم باشد بدست بیاورند...» با توجه به این مقرر مقام تحقیق نظامی در ارتباط با جرائم امنیتی ارتكابی توسط نظامیان یا غیرنظامیان هیچ محدودیت و حصری در کنترل مراسلات نوشتاری و ارتباطات مخابراتی نداشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی اصل خاصی که از حریم خصوصی تحت این عنوان حمایت کرده باشد در قانون اساسی وجود ندارد و داشتن حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی مورد شناسایی قرار نگرفته است و حریم خلوت و تنهایی به صورت صریح حمایت نشده است اما مصونیت حریم خصوصی ارتباطات مخابراتی و نوشتاری شهروندان در اصل ۲۵ قانون اساسی به طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته است. در راستای اصل مذکور در ماده ۱۰۳ قانون

<sup>۱</sup> Solove

آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ مقرر داشت: «از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیاء متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آن‌ها که ارتباط با جرم ندارد نشود». همچنین قانونگذار در ارتباط با کنترل و شنود ارتباطات مخابراتی در ماده ۱۰۴ همان قانون اشعار می‌داشت: «در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذیربط اطلاع می‌دهد که اشیای فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضای متهم آن را در پرونده ضبط می‌نماید. استنکاف متهم از امضاء در صورت مجلس قید می‌شود و چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می‌شود».

تبصره: کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود ممنوع است. قانونگذار در تبصره مذکور به جای متهم کلمه افراد را بکار برده است که به نظر می‌رسید با مقرر فوق حتی اگر اتهامی متوجه افراد نباشد، شنود مکالمات تلفنی شهروندان برای پیشگیری از وقوع جرائم امنیتی جایز و نامحدود بود.

در ادامه بند هشتم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ بدون تعرض به تبصره ذیل ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً ارتباطات نوشتاری و تصویری و صوتی متهمان را مورد توجه قرار داده و مقرر داشت: «بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی با جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد».

در حال حاضر به موجب ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که آخرین اراده قانونگذار را بیان می‌نماید. شنود ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع بوده مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ قانون مزبور لازم تشخیص داده شود در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل اقدام می‌شود. با وصف مذکور قانونگذار همانند قانون آیین دادرسی کیفری سابق عالماً عامداً از لفظ افراد به جای متهمان استفاده نموده است تا از این طریق مقام تحقیق بتواند ارتباطات مخابراتی نه تنها متهمان جرائم امنیتی بلکه مظنونین و حتی سایر شهروندان را به منظور پیشگیری از وقوع جرائم امنیتی کنترل و شنود نماید.

در تأیید این مطلب می‌توان به بند دوم از استثنائات وارده بر ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی اشاره نموده که قید برای کشف جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ بکار برده شده است و گویای وجود اتهام قبلی است ولی در بند یکم استثنائات چنین قیدی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت سیاست جنایی تقنینی کشور در مقوله حریم خصوصی ارتباطات مخابراتی با گذشته تغییر محسوسی نکرده و با گسترش و تنوع ابزارهای کنترل سیستم‌های مخابراتی صوتی و تصویری علاوه بر حریم خصوصی متهمان جرائم امنیتی حریم خصوصی سایر شهروندان نیز در معرض تحدید قرار گرفته است.

### ۴-۳- محدودیت مداخله و کیل در تحقیقات مقدماتی

از جمله مؤلفه‌های دادرسی عادلانه حق داشتن وکیل مدافع و تأمین امکانات دفاعی لازم برای متهم و دخالت وکیل در فرایند دادرسی است. هدف از حضور و دخالت وکیل نیز ایجاد تساوی و امکانات برابر (تساوی سلاح‌ها) در راستای برگزاری دادرسی منصفانه و عادلانه است. «حق داشتن وکیل توسط متهم که یکی از مصادیق حقوق دفاعی متهم است همچون دیگر اقسام حقوق دفاعی متهم، ریشه در اصل برائت دارد و این حق باید در تمام مراحل دادرسی از جمله: پیش دادرسی، دادرسی و پس‌ادداری رعایت شود زیرا متضمن دادرسی عادلانه است.» (گلدوست جویباری و میرکمالی و قبلی، ۱۳۹۶: ۸۴).

از مهم‌ترین اقدامات مرجع تحقیق، بازپرسی از متهم و تسجیل نمودن ادله است. این امر از یک سو مرجع تحقیق را در کشف حقیقت یاری و از سوی دیگر حقوق دفاعی متهم را در این مرحله تداعی می‌سازد. «حقوق دفاعی متهم اجمالاً عبارتست از مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که خلاف فرض برائت علیه او مطرح شده در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند.» (امیدی، ۱۳۸۳: ۲۲۵).

اسناد بین‌المللی الزام‌آور منجمله ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ از ماده ۹ و قسمت‌های الف و ب از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد فراتقنینی داخلی از جمله اصول ۳۲، ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی بر حقوق دفاعی متهمان به‌طور کلی همانند حق داشتن و انتخاب وکیل، حق آگاهی و اطلاع از اتهام و تفهیم نوع و علت اتهام و حق سکوت در مرحله تحقیق تأکید دارند.

به‌طور اخص نیز در بند (ب) و (د) جزء ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) بر حق داشتن وکیل در فرآیند دادرسی تأکید شده است. در گذشته حق داشتن وکیل در مرحله تحقیق در ایران و کشورهای دیگر مورد تردید بود. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ ابتدا حضور وکیل در مرحله تحقیق را نپذیرفته بود اما در سال ۱۳۳۵ یک تبصره به ذیل ماده ۱۱۲ افزوده شد که مقرر می‌داشت: «متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرا قوانین لازم بدانند به بازپرس تذکر دهد اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌گردد».

قانون دادرسی و کیفر ارتش که بر اساس آن به جرائم امنیتی رسیدگی می‌شد، به پیروی از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ حق داشتن وکیل در مرحله تحقیق را مورد پذیرش قرار نداده بود. اصلاحات و الحاقات بعدی قانون مذکور نیز تأثیری در توجه به حضور وکیل در مرحله تحقیق نداشت. این در حالی بود که تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۱ حضور وکیل را در این مرحله از دادرسی با شروط و قیودی پذیرفته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مرجع صالح رسیدگی به جرائم امنیتی مطابق آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسرای انقلاب سال ۱۳۵۸ و لایحه قانونی تشکیل دادگاه انقلابی ارتش مصوب همان سال تغییر یافت. در دو مقررره موصوف نیز همانند قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ متهمان جرائم امنیتی از حق داشتن وکیل در مرحله تحقیق محروم بودند.

علی رغم پذیرش حق انتخاب و کیل در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۸ مداخله و کیل در مرحله تحقیق با محدودیت‌های بیشتری مواجه گردید. قانون‌گذار در ماده ۱۲۸ قانون مزبور مقرر نمود متهم می‌تواند یک نفر و کیل در مرحله تحقیق را همراه خود داشته باشد و وکیل نیز می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید ولی تبصره ذیل ماده ۱۲۸ مقرر می‌داشت: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و هم‌چنین در خصوص جرائم علیه امنیت حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود». با این مقرر در زمان حاکمیت دادگاه‌های عام حضور یا عدم حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه بود و قاضی تحقیق اختیاری در پذیرش وکیل متهمان جرائم امنیتی بدون کسب اجازه از رئیس دادگاه نداشت.

قانونگذار در مواد ۴۸ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همانند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را به رسمیت شناخته است اما موضوع چالش برانگیز تبصره اصلاحی ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ است که به موجب آن در جرائم علیه امنیت که مجازات آن‌ها مشمول ماده (۳۰۲) همان قانون متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی باید وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید قوه قضاییه باشد انتخاب نمایند لذا بر اساس مقرر مذکور حق انتخاب وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و در جرائم مهم امنیتی که دارای مجازات سنگین می‌باشند از متهمان سلب گردیده است. علاوه بر آن قانونگذار در ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳ و در فصل پنجم تحت عنوان وکالت در داد سرا و دادگاه‌های نظامی مقرر نموده در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و بکلی سری باشد متهمان نظامی بایستی وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح انتخاب نمایند. بنابراین مقرره‌های مذکور به نوعی حقوق دفاعی متهمان جرائم امنیتی را تحدید می‌نمایند که این امر مخالف اصل ۳۵ قانون اساسی و بند (۳) قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ است.

## ۵- نتیجه گیری

دوام و بقاء طبیعت زندگی اجتماعی ابناء بشر می‌طلبد که کرامت و برابری آنان در تقابل با جامعه و حاکمیت حفظ گردد و حقوق و منافع یکی بر منافع دیگری برتری نداشته باشد. بر این اساس تضمین حقوق و آزادی‌های فردی متهمان از بارزترین مباحث حقوق کیفری شکلی است. تحقیقات مقدماتی بخش مهم و تأثیرگذار فرآیند دادرسی است زیرا تسجیل ادله در این مرحله صورت می‌گیرد. با ایراد اتهام ارتکاب جرم، شهروندان ناگزیر در فرآیندی از دادرسی کیفری قرار می‌گیرند که در یک طرف آن حکومت با تمام امکانات، ابزار و اختیارات قرار دارد تا از جامعه در برابر نقض قانون و اخلال در نظم حمایت کند و در سوی دیگر متهمی قرار گرفته که توان دفاعی، ابزار و امکانات او در قیاس با دولت و کنشگران او ناچیز است.

بر این اساس اختیارات گسترده مقام تحقیق ممکن است آزادی‌های فردی و حقوق دفاعی متهمان را به مخاطره اندازد. نظر به ضرورت و اهمیت آزادی و حقوق دفاعی متهمان که برگرفته از کرامت ذاتی آنان است در قوانین اساسی و عادی

اکثر کشورها و اسناد بین‌المللی الزام‌آور به آن توجه شده است، بر همین اساس مواد ۵، ۹ و بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و مواد ۷، ۹ و ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) جهت تضمین کرامت انسانی متهمان الزاماتی را در فرآیند تحقیق مقدماتی پیش‌بینی نموده است. در عرصه داخلی نیز اصول ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی منجمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ الزاماتی جهت پاسداشت کرامت انسانی متهمان پیش‌بینی نموده است. با این حال سیاست جنایی تقنینی شکلی کشور برخلاف سایر جرائم در حوزه اعمال زیانبار امنیتی علی‌الخصوص مرحله تحقیقات مقدماتی جرائم مذکور با در پیش گرفتن رویکردی امنیت‌محور و افتراقی برخی از حقوق و آزادی‌های متهمان امنیتی را با چالش مواجه نموده است. فارغ از رویکرد امنیت‌گرایانه ناظر بر فرآیند تحقیق جرائم امنیتی رویکردی دیگر مبتنی بر مؤلفه‌های کرامت مدار مندرج در مقرره‌های فراتقنینی و تقنینی کشور منبعث از آموزه‌های دین مبین اسلام و الزامات حقوق بین‌الملل بشر تحت عنوان سیاست جنایی تقنینی کرامت مدار می‌تواند بین حفظ نظم و امنیت اجتماعی از یک طرف و حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان و متهمان از طرف دیگر تعادل و توازن لازم را برقرار نماید. بر همین اساس سؤال تحقیق این بود که؛ چالش‌های رویکرد کرامت مدار سیاست جنایی تقنینی کشور ناظر بر جرائم امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال سیاست جنایی تقنینی شکلی و نظام حقوقی ایران ناظر بر تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی با مؤلفه‌های کرامت مدار مندرج در مقرره‌های فراتقنینی و تقنینی کشور و اسناد الزام‌آور حقوق بشری مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد سیاست جنایی تقنینی شکلی ایران ناظر بر تحقیقات مقدماتی جرائم علیه امنیت تا تحقق رویکرد کرامت مدار با چالش‌هایی به شرح ذیل مواجه است:

۱- بازداشت موقت شدیدترین نوع تأمین کیفری است با توجه به اینکه صدور این قرار با اصل برائت متهمان و آزادی رفت و آمد شهروندان مغایر است و نتیجه زیانبار فراوانی دارد، قانونگذاران همواره سعی کرده‌اند موارد اعمال آن را محدودتر و هرچه بیشتر آن را قانونمند نمایند تا در واقع بهانه‌ای برای استبداد قضایی فراهم نگردد. با این حال در قلمرو جرائم امنیتی قانونگذار با رویکردی امنیت‌محور و در آخرین اراده تقنینی خود در قسمت (پ) از ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جز موارد معدودی طیف وسیعی از جرائم امنیتی با قید وجود دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام در زمره جرائم با قابلیت صدور قرار بازداشت موقت دانسته است. چرا که در مواد فوق قانونگذار با به کارگیری عباراتی مانند دلایل، قرائن و امارات معیاری غیر قابل ارزیابی ارائه نموده که تشخیص آن به عهده مقام تحقیق گذاشته شده است از طرفی نیز تفاوت قائل شدن بین متهمان جرائم امنیتی و سایر جرائم نوعی تبعیض آشکار و خلاف مقتضیات کرامت انسانی است.

۲- حق خلوت و مصونیت حریم خصوصی شهروندان ارتباط معناداری با حفظ شأن و کرامت، استقلال، امنیت روحی و روانی شهروندان دارد. یکی از آثار فرض برائت، مصونیت ارتباطات مخابراتی و نوشتاری شهروندان است. در حال حاضر قانونگذار به موجب ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شنود ارتباطات مخابراتی شهروندان مظنونان و متهمان جرائم امنیتی را به منظور کشف و مقابله با جرائم مذکور تجویز نموده است که این امر کرامت انسانی آنان را در قیاس با متهمان و مظنونان سایر جرائم با مخاطراتی روبرو نموده است.

۳- اصل ۳۵ قانون اساسی بر انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی کیفری در فرآیند دادرسی تأکید دارد. اما مقنن در قبال جرائم امنیتی با رویکردی امنیت محور محدودیت هایی برای دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی قائل گردیده است. از جمله تبصره اصلاحی ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح که در مواد قانونی فوق متهمان جرائم امنیتی در انتخاب و معرفی وکیل محدود به تعیین وکیل مورد تأیید ریاست قوه قضاییه و رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشند که این امر خلاف مقتضیات کرامت انسانی و حقوق شهروندی متهمان جرائم امنیتی است.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های فروغی و همکاران (۱۳۹۷) که به تأثیرپذیری سیاست جنایی از دو ارزش امنیت و آزادی در گفتمان و مدل سیاست جنایی پرداخته و در نهایت با ارائه قرائتی مبتنی بر ایدئولوژی و اصول حقوق بشر و تأکید بر عنصر سومی به نام کرامت انسانی نوع دیگری از سیاست جنایی تحت عنوان سیاست جنایی کرامت مدار را برگزیده همسویی دارد. علاوه بر آن این پژوهش با نتایج پژوهش یزدیان جعفری (۱۳۹۵) که نشان می‌دهد رجحان حفظ نظم و امنیت و عدول از اصول حقوق کیفری مشروط به حفظ کرامت انسانی متهمان و مرتکبان جرائم علیه امنیت مشروع است هم راستا می‌باشد.

در پژوهش مهدوی پور و شهرانی کرانی (۱۳۹۳) نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که کشورها پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ رویکرد امنیت محور خود را در جرائم امنیتی تشدید نموده‌اند و این رویه منتج به نادیده گرفتن کرامت انسانی متهمان جرائم مذکور گردیده با رویکرد امنیت محور حاکم بر تحقیقات جرائم امنیتی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است در یک راستا می‌باشد.

پژوهش قماش (۱۳۹۰) که بر ضرورت پاسداشت کرامت انسانی در جهت گیری سیاست جنایی در قلمرو قانونگذاری قضایی و اجرایی بر پایه کرامت انسانی تأکید نموده است با پژوهش پیش رو همسو می‌باشد. همچنین تحقیق حاضر با پژوهش مک کرودن (۲۰۰۸) که نشان داده است نوع نگرش به کرامت انسانی بر گرفته از الزامات حقوق بشری در تصمیم گیری قضایی کشورها متفاوت است هم راستایی دارد.

#### ۶- پیشنهادها

- ۱- الغاء بند (پ) ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- ۲- اصلاح و رفع ابهام از ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- ۳- الغاء تبصره اصلاحی ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح در راستای رفع محدودیت انتخاب وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی جرائم امنیتی



## منابع

- آشوری، محمد، رحمت، محمدرضا. (۱۳۹۳). الگوی جرم‌شناسی کرامت مدار با‌داشت موقت افتراقی بیماران در آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۷
- آشوری، محمد. (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ پنجم
- آقا بابایی، حسین. (۱۳۸۹). قلمرو امنیت در حقوق کیفری، تهران پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۶). حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول
- امیدی، جلیل. (۱۳۸۳). دادرسی کیفری و حقوق بشر، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۳۸
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه، جلد ۱۲، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان، چاپ اول.
- عطا زاده، سعید، میر خلیلی، سید محمود، حاجی ده آبادی، محمدعلی، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، شمس ناتری، محمدابراهیم. (۱۳۹۴). تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص با رویکرد امنیت اخلاقی، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره چهاردهم.
- عظیم زاده اردبیلی، حسامی، فائزه، ساره. (۱۳۹۰). سیاست جنایی و تطور مفهوم آن، دو ماهنامه آموزش دادرسی عمومی و انقلاب تهران، سال چهارم، بهمن و اسفند، ۱۱۳-۱۳۴.
- فروغی، فضل‌الله، صادقی، محمد هادی، اخوان کاظمی، بهرام، میرزایی، محمد. (۱۳۹۷). کرامت مداری، راهبرد تعادل بخش میان امنیت و آزادی در گفتمان سیاست جنایی، دو فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۵، ۳۱-۶۱.
- قرآن کریم، سوره‌های مبارکه اسراء ۷۰ و حجرات ۱۳.
- قربان نیا، ناصر. (۱۳۸۵). تحدید حقوق و آزادی‌ها، فصلنامه فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۱-۳۱.
- قماش، سعید. (۱۳۹۰). کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی، دو فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید شماره ۱، ۶۷-۹۰.
- قماش، سعید. (۱۳۹۳). کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌نگاری، چاپ نشر میزان.
- قمی اوپلی، الهام. (۱۳۹۷). حقوق متهم نزد ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی سال ۱۳۹۲، فصلنامه علمی قانون یار، دوره دوم، شماره ششم
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، ج اول، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- گلدوست جویباری، رجب، کمالی، علیرضا، قبلی، ژاله. (۱۳۹۷). نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، دوره چهارم، شماره اول
- لازرژ، کریستین. (۱۳۹۹). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ هشتم.
- مارتی، می‌ری دلماس. (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ چهارم.
- مقیمی، مهدی. (۱۳۹۷). حقوق شهروندی کرامت‌مدار در تحقیقات مقدماتی توسط پلیس (مطالعه مبنا شناختی مفهوم انسان در حقوق شهروندی غربی و اسلامی)، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیستم، شماره چهارم، ۱۱۶-۱۴۳.
- مهدوی پور، اعظم، شهرانی کرانی، نجمه. (۱۳۹۳). امنیتی شدن جرم‌شناسی، راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، شماره اول، ۱۵۹-۱۸۸.

- واعظی، سیدمجتبی، علی پور، سیدعلی (۱۳۸۹). بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران، مجله حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره هفدهم.

- Daniel Solove, **Understanding Privacy**, Harvard University Press, (2008)
- Maria Kaiafa-Gbandi. (2015). **Human Dignity: Protected, but also Jeopardized by Criminal Law?** SYNTHESIS PHILOSOPHICA.
- Christopher McCrudden. (2008). **Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights**, The European Journal of International Law vol, 19.
- Webster's, Collegiate, T Dictionary, Eleventh Edition, Massachusetts. U.S.A, Merriam-Webster. (2003).



## **Preliminary research on security offenses in line with the Dignity-Based legislative criminal policy (fundamentals-challenges)**

**Reza Bahrami<sup>۱</sup>, Akbar Vervai<sup>۲</sup>, Nader Nowrozi<sup>۳</sup>**

### **Abstract**

Security offenses are a type of crime that threatens the survival and existence of the entire society and government. Undoubtedly, security offenses can be considered as one of the most sensitive and important areas of challenge and confrontation between the rights of sovereignty and citizenship. It should be noted that the security offenses research process is one of the most obvious of these fields. The countries legislative criminal policy overseeing the preliminary investigation process of security crimes regarding the dignity-oriented components included the supra legislative and legislative regulations and human rights requirements taken from The Universal Declaration of Human Rights (1948) and The international covenant on Civil and Political Rights (1966) was analyzed and evaluated. The findings of research show that the selection of a dignity-oriented approach in the process of investigating security crimes will lead to a balance between the rights of sovereignty and the right of citizens accused of security crimes and promotes the rights of sovereignty. According to the security-oriented approach that governs the research process of security crimes, the results of the research show that the legislator, by deviating from the principles governing criminal law, based on human dignity, some of the rights and freedoms of those accused of security crimes has faced challenges. In order to clear the ambiguity from laws governing the investigation of security crimes the legislator should take action to amend and adapt the laws with dignity-oriented components in this field.

**Keywords:** preliminary research, security offenses, security-based approach, Dignity-Based approach, legislative criminal policy

---

<sup>1</sup> . PhD student, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> . Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Responsible author)  
Dr.Akbarvarvaei@Yahoo.com

<sup>3</sup> . Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran